

"بررسی روند و فرجام نوسازی‌های مالی و عمرانی عباس میرزا نایب‌السلطنه در آذربایجان"

فریده فرهمندزاده*، علی بیگدلی، محمدرضا نصیری

دانشجوی دکترا، دانشگاه پیام نور؛ استاد، دانشگاه شهید بهشتی؛ استاد تاریخ، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: (۹۶/۰۷/۱۰) تاریخ پذیرش: (۹۶/۱۰/۲۶)

"A review of trend and finals of financial and constructional renovations (reform) of the Crown Prince Abbas Mirza in Azerbaijan"

Faride Farahmandzadeh, Ali Bigdeli, Mohammadreza Nasiri

Ph.D Student, Payame Noor University; Professor, Shahid Behehti University;
Professor, Payame Noor University

Received: (2017/10/02)

Accepted: (2018/01/16)

Abstract

The greatest proportion of renovations related to Abbas Mirza the Crown Prince was concentrated on military operation, presently expanded into new aspects including financial, administrative and bureaucratic, legal and judicial, sanitary, social and cultural issues, was restricted in the Crown Prince's ruling territory, Azerbaijan. Financial and constructional renovation, which assumed as the most important sections in reform after military renovations, were considered as the necessity of continuity TANZIMAT.

This essay has been implemented through the descriptive and analytical historical research methodology, based on the library researching method.

The assumption tried to demonstrate how few elements including being limited in objective appearance and failing to provide new and continuous funds, cause serious difficulties in renovative operation. The research find out beside domestic opposition and foreign enemies, economical frustration comes from the war and lack of Shah's financial support, failing to convince theoretically and ignoring to provide cultural context can be considered as the most important reason halting reforms.

Keywords: Qajar, Abbas Mirza the Crown Princes, Renovation (reform), Azerbaijan.

چکیده

بزرگترین بخش نوسازی‌های منسوب به عباس میرزا نایب‌السلطنه که در آغاز تمرکزی نظامی داشت و به مرور زمان جنبه‌های مالی، اداری و دیوانی، قضایی، بهداشتی و اجتماعی، و فرهنگی نیز یافت، به ولایت زیر فرمان ولیعهد - یعنی آذربایجان - محدود ماند. نوسازی‌های مالی و عمرانی که پس از اصلاحات نظامی بزرگترین بخش از نوسازی‌ها را در برمی‌گرفت، از ضرورت‌های تداوم "تنظیمات" عباس میرزا بود. رونق اقتصادی و بازرگانی منابع لازم جهت اجرای اصلاحات را فراهم می‌کرد و برنامه‌های عمرانی، اگرچه به‌زودی جنبه‌های رفاهی و اجتماعی یافت، رویکردی قشون محور داشت.

رویکرد مقاله تأکید بر تبیین تحلیلی با اتکا بر شواهد توصیفی برگرفته از منابع اصلی و تحقیقی، و بر پایه روش کتابخانه‌ای است. این پژوهش به دنبال اثبات این فرضیه است که با توجه به روند و فرجام این نوسازی‌ها، چگونه عواملی چون عدم گذار از ظواهر عینی، و عدم تأمین و تداوم منابع مالی جدید، استمرار نوسازی‌های مالی و عمرانی را در آذربایجان با مشکل مواجه ساختند. یافته‌های پژوهش نشانگر این است که افزون بر مخالفان داخلی و دشمنان خارجی، و نیز خسارت‌های اقتصادی برآمده از جنگ و عدم پشتیبانی مالی شاه، مهم‌ترین دلیل توقف برنامه‌های اصلاحی عدم اقتناع ذهنی و بی‌توجهی به آفرینش زمینه‌های فرهنگی بوده است.

کلیدواژه‌ها: قاجار، عباس میرزا، نوسازی (اصلاحات)، آذربایجان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

تأثیر هرچند گذرای سیاست‌های نوسازی، چهرهٔ آذربایجان و کیفیت کلی زیست شهری و روستایی را تا حدی ارتقا بخشید و اگر جنگ‌های ایران و روس در دو دوره فرساینده صورت نمی‌گرفت، ای بسا دگرگونی‌های آذربایجان، الگویی برای شیوه فرمانروایی دیگر ایالات می‌شد.

اهمیت اصلاحات مالی به ویژه از آن رو بود که راه‌های تأمین مالی سیاست‌های نوسازی روشن و منظم باشد. بخش بزرگ اصلاحات عمرانی نیز در پیوند با تأمین منابع مالی اصلاحات و رونق بازرگانی و کشاورزی منطقه بود.

نوسازی‌های مالی و عمرانی در چند زمینه دنبال شد. در زمینه عمرانی ساخت و سازهای عمومی و شهری، و آبادسازی‌های کشاورزی و آبیاری به همراه نوسازی‌های نظامی در نظر گرفته می‌شد. طرح‌های بلندپروازانه‌ای چون الگوبرداری از صنایع غربی و ایجاد کلنی‌های صنعتی که ساکنانش صنعتگران و آموزگاران اروپایی باشند نیز با کوشش فراوان دنبال شد. به ویژه تلاش می‌شد تا موقعیت بازرگانی تبریز که تحت تأثیر جنگ‌های داخلی اواخر صفویه تا جنگ قاجاریه با روس‌ها اوضاع پریشانی داشت، احیا شود. این همه مقدر نبود مگر با بازرگاری کلی در امور اقتصادی و مالی. ولیعهد کوشید تا بی‌رسمی‌های حاکم بر میزان و شیوه دریافت مالیات و حسابرسی را که به عادت فراگیر بدل شده بود، اصلاح کند. اهمیت این امر به ویژه در موقعیت جنگی و سپس تأمین بودجه نوسازی‌های اصلاحی مؤثر بود.

نایب‌السلطنه در اجرای تمام و کمال نوسازی‌ها ناکام ماند. چرا که افزون بر مقاومت‌های داخلی و درگیری‌های خارجی، از مهم‌ترین اصل در موفقیت برنامه‌های اصلاحی یعنی ایجاد زمینه‌های ذهنی بر

پایه اندیشه‌ورزی، و نظریه‌پردازی و اقتناع فرهنگی مخاطبان نوسازی‌ها غافل ماند. در صفحات آتی نخست به گزیده‌ای از روند اقدامات عمرانی و مالی عباس میرزا، و سپس به بررسی چگونگی و چرایی فرجام آن در آذربایجان خواهیم پرداخت.

مقالاتی که به امور عمرانی و مالی آذربایجان دوره عباس میرزا پرداخته باشند، کم شمارند و بیشتر تمرکز بر مسایل اقلیمی و جنبه‌های کمی دارند.^۱ بنابراین از متون تحقیقی معتبری که درباره نوسازی‌های نایب‌السلطنه نگاشته شده‌اند در کنار منابع دست اول بهره گرفته شده است.

اعمال سیاست‌های مورد نظر ولیعهد نیازمند آفریدن راه‌کارهای نوین یا بازسازی قوانین گذشته بود. بر این اساس بررسی نوسازی‌های مالی و عمرانی نایب‌السلطنه در مباحث زیر دسته‌بندی شده است:

۲. روند نوسازی‌های عمرانی، بازرگانی و مالی

۲-۱. اصلاحات عمرانی

تا دوره قاجاریه و با وجود سرگذشت پرآشوب و ناپایداری قدرت‌هایی که در ایران پس از اسلام بر سر کار آمدند، شهرنشینی علی‌رغم ویرانی‌های پیاپی رشد قابل ملاحظه‌ای داشت.^۲ در آغاز قاجاریه شهرنشینی در ایران در مقایسه با اروپای پیش از انقلاب صنعتی گسترش یافته و در نیمه نخست سده نوزدهم میلادی نزدیک به یک هفتم جمعیت ایران در شهرها می‌زیستند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۷-۳۸).

از علاقه‌مندی شاهزادگان والی به الگوبرداری از

۱. برای نمونه بنگرید به: بلیان اصل، ۱۳۹۳: ش ۸، ص ۳۳-۵۳؛

سلماسی‌زاده، ۱۳۸۹: ش ۱، ص ۶۹-۸۹؛ زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ش ۵، ص ۷۹-۱۱۱.

۲. بنگرید به: یوسفی‌فر، ۱۳۹۰.

ولیعهد در کار ساخت و ساز تبریز مهندسین و معماران ایرانی را به کار گرفت. ولی از آنجاکه در بازسازی شهری به روش اروپایی علاقمند بوده، به مهندسان فرانسوی هیئت همراه گاردان فرمان داد تا به جوانان ایرانی رموز معماری و استحکام سازه‌ها در روش اروپایی را بیاموزند (دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۳۸؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۲۱۱-۲۱۲؛ حایری، ۱۳۶۵: ۳۰۷).

از نظر بیرونی به استحکامات دفاعی و بارو و دیوار شهر توجه نشان داد و فرمان داد تا "خاکریز و مردرو" تازه و محکم بر آن ساختند. در همین منطقه به اندازه مسافت پرتاب یک تیر تمام زمین‌ها و ساختمان‌ها را خرید، ویران کرد و پادگانی مفصل به جای آن ترتیب داد (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۴۷). از نظر داخلی نیز با ساختن اماکن رفاهی عمومی و بازار و خیابان‌ها ظرف مدت دو سال چهره تبریز دگرگون شد. در خیابان‌بندی و درخت‌کاری آنها به شیوه اروپایی کار شد (لاچینی، بی‌تا: ۴۵). اگرچه تبریز در جریان جنگ با روس‌ها و به ویژه پس از اشغال به وسیله پاسکوویچ آسیب و ویرانی فراوانی دید، پس از پیمان ترکمانچای و تخلیه شهر از نیروهای روس دوباره با نظر خاص ولیعهد بازسازی و نوسازی گسترده‌ای در تبریز انجام شد (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۷۲).

نادر میرزا در کتاب تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز شرح مفصلی از ساخت و سازهای شهری و روستایی، نظامی، کشاورزی و آبیاری، و رفاهی که به دستور ولیعهد ساخته شده بود، به دست می‌دهد (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۷۳-۱۷۴).

با این وجود شدت ویرانی به حدی بود که در شهرهای آباد و مراکز پروتق نیز گاهی خرابه‌ها و ساختمان‌های ویران شده‌ای به چشم می‌خورد که

ساختار دیوانی پایتخت و تشکیل سپاه و دربار محلی انتظار می‌رفت که دوره‌ای از عمران و آبادانی مناطق، رشد شهرنشینی و امنیت ناشی از آن آغاز شود. ولی در غیاب نهادهای کارآمد مالیاتی و فساد عوامل دست اندرکار دیوانی، تأمین هزینه‌های دربارهای محلی در نهایت به چپاول مردم منجر می‌شد. از این رو اگرچه رشد کمی در جنبه‌هایی مانند معماری و برخی سازه‌های خدماتی - عموماً دینی و دولتی - قابل مشاهده بود (همبلی، ۱۳۸۸: ۵۶۲) فلاکت رعایا و شهرنشینان روند روزافزونی داشت. گزارش‌های فراوانی از جهان‌گردان و سفرای اروپایی موجود است که از فقر بی‌اندازه و ویرانی شهرهای نام‌داری از جمله تبریز و کم‌جمعیتی آنها حکایت می‌کند (همبلی، ۱۳۸۸: ۵۵۸-۵۵۹). در حقیقت مردم از ترس فرمان‌داران و ستم مودیان مالیاتی و دولتیان به بیابان‌ها و مناطق دوردست می‌گریختند و خالی شدن آبادی‌ها از جمعیت که خود ناامنی را تشدید می‌کرد، به معنای ویرانی کشتزارها و بی‌رونقی بازارها بود.

جیمز موریه می‌نویسد:

"تبریز از رونق و آبادی افتاده بود تا این که چهار سال پیش شاهزاده حاکم کنونی عباس میرزا نایب‌السلطنه به حکومت آذربادگان گماشته شد ... در آن زمان باروها را بازسازی و زیور کرده میدان تازه و چندین بنای نو ساخته بود" (موریه، ۱۳۸۶: ۳۰۸).

عباس میرزا نایب‌السلطنه به همراه سلیمان خان اعتضادالسلطنه، ابراهیم خان قاجار و میرزا عیسا فراهانی به عنوان وزارت، به فرمانداری آذربایجان فرستاده شد - ۱۲۱۴ق. / ۱۷۹۹م. - (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۴۸۷ / ۱۲۱۳ق. در: لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۰۱).

زمینه احیای قنات‌ها و زمین‌های زیر کشت به فراموشی سپرده شد و برخی از قنات‌ها دوباره کور شدند. مثلا قنات‌های شاهزاده که یک رشته از روستاهای پیرامون تبریز را آبیاری می‌نمود، تا دوره مظفری کاملاً کور و بسته شدند. این قنات‌ها تا روستای کندرود، به فاصله بیش از دو فرسنگی تبریز امتداد یافته بودند (نادرمیرزا، ۱۳۶۰: ۳۶).

هراس از ناامنی و تعدی ماموران دولتی باعث گریز اهالی از آبادی‌ها و ویرانی کشتزارها و تعطیلی کسب و کارها می‌شد. برای ایجاد امنیت و آرامش خاطر، سکونت دائمی و اشتغال کارآمد در منطقه رسم "مهمانداری" که از دیرباز به هراس و تهدید روستاییان دامن می‌زد، به دستور ولیعهد لغو شد. بنابر این رسم، ماموران دولتی از هر رده اختیار داشتند تا در گذر از هر ده و آبادی سور سفر خویش را به هر اندازه که لازم می‌دانند از روستاییان بستانند و در گرفتن چهارپایان و ذخایر مالی ایشان نیز مختار بودند. چراکه هیچ منزل‌گاه معین که خدمات دولتی به ماموران ارایه دهد وجود نداشت و به قول موریه "در فاصله هریک ساعت باشگاه همگانی در میان راه نیست" (موریه، ۱۳۸۶: ۸۰-۷۹). به دلیل عدم وجود ساختار نظارتی بر این ماموران، دست تعدی ایشان بر همه شئون آبادی‌نشینان گشوده بود و به شکایات مردم نیز کم‌ترین توجهی نمی‌شد.

"روستاییان در زیر سیطره ستم مینالند، اما ناله آنها بیهوده است، اگر به فریادهای آنها از آفت تهیدستی با هیچ چیز دیگر پاسخ ندهند، دست کم با چوب فلک پاسخ میدهند" (موریه، ۱۳۸۶: ۸۰).

نایب‌السلطنه برای جلوگیری از این بی‌داد، مقرر داشت تا امور پذیرایی و تأمین تدارکات مورد نیاز ماموران دولتی در چاپارخانه‌ها انجام گیرد. فاصله چاپارخانه‌ها و کیفیت خدمات آنها به گونه‌ای بود که

برای تعمیر و بازسازی آنها اعتنا و اراده‌ای نبود. حتی در آذربایجان که ولیعهد توجه ویژه‌ای به آبادانی تبریز و سایر مناطق داشت، معمولاً سازه‌های مخروبه و بناهای خدماتی رو به ویرانی فراوان بودند.

"از دو کاروانسرای ویران گذشتیم، که دومین آنها ... از نوشته دروازه‌اش روشن میشد که یکی از خدمتکاران شاه عباس آن را ساخته است" (موریه، ۱۳۸۶: ۲۹۸).

با توجه به این‌که یکی از موثرترین عوامل شکل‌گیری و تداوم تغییر و نوگرایی، گسترش و آبادانی شهرنشینی و اقتصاد شهری است،^۱ اهمیت و تاثیر ویرانی شهرها به عنوان پیش‌زمینه زوال و قهقهرای طبقه متوسط و بنابراین کمبود مخاطبان و محرکان واقعی سیاست‌های نوسازی - اصلاحات - آشکارتر می‌گردد.

از آن‌جاکه تأمین بخش بزرگی از مالیه ایران و از جمله آذربایجان و ام‌دار رونق کشاورزی، باغداری و دامداری بود، نایب‌السلطنه کوشید تا کشت و زرع و ساختار آب‌رسانی را بهبود بخشد. پس کوشید تا قنات‌های ویران را بازسازی کرده و با ایجاد امنیت و بخشش‌های مالیاتی، کشاورزی را رونقی دوباره دهد. "و قنات منطسمه را صاحبان املاک آباد نموده آبی بروی کار نیک‌نامی و خجسته فرجامی آرند" (دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۳۹-۱۳۸).

برای بازسازی قنات‌هایی که در املاک ملاکان قرار داشت و مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گرفت، از امکانات مالی و انسانی مالکان نیز استفاده می‌کرد. ولی از کمک مالی نیز دریغ نمی‌نمود (لاچینی، بی‌تا: ۶۶-۶۵). پس از ولیعهد بیشتر امور اصلاحی در

۱. برای آگاهی از زوایای این نظریه و نقد آن بنگرید به: بشیریه، موانع توسعه سیاسی در ایران، ۱۸.

آذوقه شش ماهه را گردآوری نمایند و هرکس را قدرت نباشد یا از دیوان آذوقه گرفته یا از شهر بیرون رود (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴: ۷۷). حتا پس از اینکه نایب‌السلطنه از سوی فتحعلیشاه برای سرکوب شورش‌های مناطق مرکزی و شرقی فرستاده شد، برای مدارا و رعایت احوال اهل آذربایجان به فریدون میرزا فرزندش که جانشین پدر شده بود می‌نویسد:

"آذربایجان خانه من است و اهل آنجا اولاد و از خود من ... باز تأکید میکنم اگرچه میدانم خیلی اهتمام در آسایش مردم آنجا دارید ..." (لاچینی، بی‌تا: ۷۱-۷۰).

۲-۲. اصلاحات بازرگانی و صنعتی

در جریان جنگ‌ها خزانه آذربایجان تهی و اقتصادش ویران شده بود. به جز آنچه نایب‌السلطنه کوشید در بخش کشاورزی و آبرسانی به انجام برساند، تلاش کرد موقعیت تجاری تبریز را که از دیرباز پیوند راه‌های بازرگانی آسیای میانه به آسیای کوچک و اروپا بود را احیا کند. موقعیت یگانه تبریز از این نظر دست‌کم تا ۱۳۸۲ق. / ۱۸۶۸م. بی‌رقیب ماند. تبریز با جمعیت دویست هزار نفری، گنجایش بالقوه و بالفعل قابل توجهی در معادلات مالی داشت. به ویژه که نقطه تلاقی شاهراه‌های بازرگانی از تهران به تفلیس در شمال و ترابوزان در غرب بود (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۷۱). اما این موقعیت ویژه تحت تاثیر ناآرامی‌ها، شورش‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی که از پایان صفویه تا فرمانروایی عباس‌میرزا در این منطقه وجود داشت، اعتبار متزلزلی داشت. از این رو ولیعهد نخست کوشید امنیت راه‌ها را کنترل کرده و سپس با ایجاد کاروانسراها و راه‌های مناسب،

خبررسان ظرف سه روز از تبریز به تهران می‌رسید. بیست تا بیست و پنج اسب که به هزینه شاهزاده نگهداری می‌شدند شبانه روز آماده بودند تا در اختیار ماموران دولتی قرار بگیرند. این چاپارخانه‌ها به زودی در ایالت‌های دیگر هم ساخته شد. با این تفاوت که هزینه‌های آن را در ایالت‌های دیگر، مردم و نه فرمانداران، می‌پرداختند (موریه، ۱۳۸۶: ۲۷۹ / اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۹۱).

نه فقط چاپارخانه‌ها برای رفاه مردم و ماموران دولتی آماده شد، که کاروان‌سراهای بایر و دایری نیز به کار افتادند تا موجب رونق بازرگانی و مایه آسایش مسافران باشد. به ویژه چند کاروانسرا در اطراف و مهمان‌خانه‌هایی درون تبریز برپا شدند (دنبلی، ۱۳۵۱: ۱۳۹).

توجه ولیعهد به ویژه به دهقانان و کشاورزان بود و بر امنیت و احوال ایشان نظارت مداوم داشت. از جمله در نامه‌ای از ولیعهد به تاریخ ۱۲ ذیحجه ۱۲۴۳ق. مطالبی درباره تعدی و زیاده‌ستانی مالکی بنام رستم خان دیده می‌شود. ظاهراً او در امور عمرانی کارگزار ولیعهد، نجفقلی خان کارشکنی می‌کرده، و در دریافت حق مالکانه منصف نبوده است. ولیعهد فرمان می‌دهد که رستم خان از املاکش اخراج شود؛ ولی برای رعایت انصاف اجازه داشت که نماینده‌ای برای دریافت بهره مالکانه در املاکش داشته باشد (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۱۶۵).

در شرایط دشوار جنگ نیز متوجه اتباعش بود. جهانگیرمیرزا شرحی از احوال تبریزیان پس از عقب‌نشینی ولیعهد به این سوی ارس در جنگ دوم می‌دهد. او می‌نویسد که پس از رسیدن مددوف به سه فرسنگی اهر، از سوی ولیعهد مامور شده تا "جمع خانوار تبریز را اسم‌نویس کرده جمیع مردم

محمد میرزا به جای فتح‌علیشاه نشست، گزارش‌هایی وجود دارد که نشان‌گر بی‌عملی شاه نسبت به امور بازرگانیست.

راه‌اندازی شهرک‌های صنعتی اروپایی‌نشین در آذربایجان از دیگر برنامه‌های صنعتی ولیعهد بود. به تاریخ ۱۲۳۸ق. / ۱۸۲۳م. طی آگهی که به دستور ولیعهد به وسیله میرزا صالح در روزنامه لندن به چاپ رسید، اعلام شد که واجدین شرایط سکونت در این شهرک‌ها از امتیازهای ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. قرار بود صنعت‌گران علاقمند به اسکان در ایران از زمین برای خانه و کشاورزی، بخشش مالیاتی، ضمانت جانی و مالی و مذهبی برخوردار باشند (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۵۴: ۵۴). ایشان می‌توانستند بر اساس قانون انگلستان مقام‌های مسئول خود را برگزینند و به "قانون شریعت انگلستان" زندگی و رفتار کنند (نفیسی، ۱۳۶۸: ۷۰۳-۷۰۳). مهم‌ترین شرط سکونت، راه‌اندازی تولید و کار صنعتی و کشاورزی در منطقه بود. از شروط دیگر آموزش جوانان ایرانی بود که مقرر می‌شد تا در مدارس نظام و صنعت این کلنی‌ها انجام شود و "معلمین و مدرسین آنجا دیناری به اسم اجرت و حق‌التعلیم و حق‌السعی از آنها مطالبه نمایند". تعیین این جوانان نیز تنها در عهده ولیعهد بود و "دیگران در این حق مداخلیتی" نداشتند (نفیسی، ۱۳۶۸: ۷۰۶).

این برنامه که به دلیل ناخشنودی روس‌ها (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۵۴: ۵۴) و همچنین نگرانی‌های دینی^۲ سرانجامی نیافت، نشانی از برنامه‌ریزی بلند

مرکزیت بازرگانی آذربایجان را بازآفرینی کند. به ویژه در اطراف تبریز پل‌ها، راه‌ها و مهمان‌سراهای پرشماری ساخته شد تا اسباب راحتی مسافران فراهم گردد.

کاهش درآمدهای شاهزاده، پس از آنکه بخش‌های بزرگ و پردرآمد آران به روس‌ها واگذار شد^۱، و به ویژه پس از پذیرش پرداخت بخش بزرگ غرامت به روس‌ها، بسیاری از برنامه‌های عمرانی و صنعتی او را محدود یا متوقف کرد. با این حال شاهزاده حتا در وصیت‌نامه خود، فرزندش محمد میرزا را به رعایت حال رعایا و بازرگانان توصیه می‌کند:

"... تجار را باید امیدوار داشت و خیلی رعایت نمود تا سبب رونق ملک و زیادی امتعه ولایت شوند که طلا و نقره داخل مملکت شود..." (لاچینی، بی‌تا: ۶۲).

شواهد نشان می‌دهد که وصایای او عملی نشد. امتیازهای گمرکی واگذار شده به روس‌ها در پیمان ترکمانچای (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۳۹۳-۴۰۴) عملاً بازرگانان ایرانی را از صحنه رقابت با ایشان بیرون کرد. چنان‌که گزارش شده است، سال‌ها پس از عباس میرزا در سال ۱۳۶۴ق. / ۱۸۴۹م. تجار به شاهزاده ولیعهد وقت، فرمان‌روای آذربایجان شکایت می‌بردند که واردات کالاهای اروپایی را تحریم کند "چراکه ورود بی‌رویه و مداوم کالاهای خارجی موجب زوال و کاهش کالاهای تولیدی ایران شده است" و هیچ پاسخ و همراهی دریافت نکردند (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۰۰). به سال ۱۸۳۷م. / ۱۲۵۳ق. تنها سه سال پس از مرگ عباس میرزا، هنگامی که

۲. بنگرید به کارشکنی مخالفان و رقبا او در نوسازی‌ها به بهانه‌های دینی در: کوتزبوه، مسافرت به ایران، ۱۰۰. نیز: گاردان، ماموریت گاردان در ایران، ۱۷۱. همچنین: حسینی‌فسایی، فارسنامه ناصری، ۷۲۳ و سپهر، نسخ‌التواریخ، ۳۹۳-۳۹۱. سرکشی برادران

۱. بنگرید به پیمان‌نامه‌های گلستان و ترکمانچای در: سپهر، نسخ‌التواریخ و نیز: هدایت، روضه‌الصفای ناصری.

به دلیل عدم وجود ساز و کار کنترلی و سیستم مالیات‌گیری و مالیات‌بندی یک‌سان، و بی‌اعتنایی و چشم‌پوشی ارکان قدرت از تخلفات مالی و مالیاتی که فشار فراوانی بر مردم وارد می‌کرد، عملاً درصد مالیات‌گیری گاه تا ۳۵ درصد نیز می‌رسید (جمالزاده، ۱۳۶۲: ۱۲۰). در جریان نهادینه کردن امور دیوانی^۱ (شمیم، ۱۳۴۲: ۲۵۹ و ۲۶۳-۲۶۲) از آغاز دوره فتحعلیشاه تمرکز مالیاتی و حساب‌رسی بر دیون و تعهدات خزانه مد نظر قرار گرفت. از جمله بازنگری و بررسی کلی در دفاتر مالیاتی صورت گرفت.

در ساختار دیوانی دوره فتحعلیشاه مالیات‌ها به صورت دائمی و گاه موقتی ستانده می‌شد. "مالیات" به تعداد خانه‌ها و نه افراد هر آبادی، اعم از شهر یا روستا تخصیص میافت و همیشگی بود که به عنوان "حق موروثی پادشاه" به خزانه واریز می‌شد. "صادر" رقم مشخصی نداشت و به میل و انصاف فرمان‌روا و حتماً مودی مالیاتی بستگی داشت. گاه چنان کمرشکن بود که به گریز اهالی و ای بسا ویرانی دیهی منجر می‌شد (موریه، ۱۳۸۶: ۲۶۸-۲۶۷). بر این اساس نظام روشنی از قوانین، چگونگی تخصیص، میزان قابل پرداخت و شیوه دریافت مالیات‌ها وجود نداشت. همیشه تعدی و زیاده‌ستانی وجود داشت و ارقام به دست آمده با آنچه به خزانه می‌رسید و در دفاتر ثبت می‌شد تفاوت‌های فاحش داشت.^۲

به ویژه شیوه دریافت فشار دوچندانی بر مردم وارد می‌کرد. قاعده این بود که رشد یا رکود اقتصادی، تحولات جوی و بلاایای طبیعی - و گاه

مدت عباس میرزا نایب‌السلطنه در زمینه آموزش صنعتی بود. این طرح که قرار بود در قالب سکونت‌گاه‌های کوچک هنرمندان و صنعت‌گران، آزمایشگاه و آموزشگاه جوانان برگزیده ایرانی باشد، پیش از آنکه پا بگیرد مسکوت ماند. بعدها زمانی که روابط عباس میرزا و مجتهدان تیره و تار شد، این طرح یکی از دلایل ناخشنودی روحانیان و بددینی ولیعهد به شمار رفت.

اگرچه کلنی‌های مورد نظر ولیعهد شکل نگرفت، کوشش‌هایی در زمینه ایجاد کارخانه‌های صنعتی - جدا از صنایع نظامی - به عمل آمد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به کارخانه پنبه‌ریسی و طرح استخراج معادن اشاره کرد. کارخانه پنبه‌ریسی و پشم‌زنی پس از اظهار تمایل کارخانه پارچه‌بافی "آرمسترانگ" انگلیسی به راه افتاد (آدمیت، اسفند ۱۳۸۵: ۱۶۲). اقداماتی در زمینه استخراج معادن نیز صورت گرفت. از جمله ولیعهد فرمان استخراج معادن آهن و سرب و مس را صادر کرد. لپندسی، افسر مستشار انگلیسی، اجازه استخراج معادن آهن قراجه‌داغ را دریافت نمود ولی نتوانست به کار را به انجام و اجرا رساند. بعدها همین امتیاز باعث ادعاهای دولت انگلستان در این مورد شد (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۵۴: ۹۸).

۲-۳. اصلاحات مالیاتی

اساس مالیات‌گیری که تا پیش از فتحعلیشاه مبنای یک دهم داشت، در دوره پادشاهی او دو برابر شد.

۱. بنگرید به بخش مربوط به صدراعظم و تشکیلات دولت
۲. نگاه کنید به تفاوت آمار دریافت مالیات و پرداخت به خزانه در: شمیم، تاریخ قاجاریه، ۲۷۷-۲۷۳.

ولیعهد در میدان جنگ از فرامین او در: سایکس، تاریخ ایران، ۴۶۱.
آن‌ها مدعی بودند نوسازی‌های عباس میرزا کفرآمیز است و بنابراین شایستگی ولیعهدی را ندارد در: دروویل، سفر در ایران، ۱۷۳.

جغرافیایی و بازرگانی ویژه‌ای داشت که دورترین مناطق آسیای میانه را به آناتولی و اروپا، و روسیه و تفلیس را به جنوب و آبراهه پارس پیوند می‌داد. ولی جنگ‌های داخلی و خارجی فرساینده از پایان صفویه تا آغاز قاجار آسیب فراوانی به اقتصاد تجاری و کشاورزی منطقه رسانده بود. عباس میرزا نایب‌السلطنه بر لزوم تمرکز مالی و شفافیت ساختار مالیاتی به عنوان پیش‌شرط انجام فعالیت‌های عمرانی - و تأمین هزینه برنامه‌های اصلاحی - واقف بود. از این رو فرمان داد تا هم در نظام و تخصیص مالیات و هم در مناصب و مشاغل و افراد متصدی آنها دگرگونی‌هایی پدید آید. کاری که نیازمند دگرگونی کلی عادات ویرانگر فرمانداران خرد و کلان در گذشته بود. موریه از عباس میرزا نقل می‌کند که برای اجرای این فرمان متحمل زحمات و هزینه فراوان شده است:

"از جمله با دادن دوازده هزار تومان مقرری به حاکم مراغه، مقرر داشتیم که تمام حقوق دیوانی را که هر رعیتی باید به دولت بپردازد، با جزییات روی کاغذ ثبت شود و به حاکم داده شود تا او مطابق همان قاعده از رعایا مالیات معینی بگیرد... . قذغن کردم که حاکم دیگر نباید دیناری جز آنچه معین شده است از رعایا دریافت کند" (موریه، ۱۳۸۶: ۲۳۸).

میرزا بزرگ قایم‌مقام که عهده‌دار این امر شده بود، مورد اعتراض بخشی از مالیات دهندگان قرار گرفت. پس ولیعهد، حاج میرزا مهدی قاضی و شاه اردلانی را بر این کار گماشت (نادرمیرزا، ۱۳۶۰: ۲۲۳). به فرمان نایب‌السلطنه رسم تیول بر درآمدها، املاک و مناصب که از دلایل ویرانی و چپاول رعایا بود در آذربایجان متوقف شد؛ ولی در صورت لطف ویژه ولیعهد به شخصی، هم‌چنان ادامه می‌یافت. از

غیرطبیعی هم‌چون جنگ، عبور قشون ... - در میزان و دفعات دریافت مالیات در نظر گرفته شود. اما در حقیقت آنچه تعیین‌کننده اصلی میزان و روند تخصیص مالیات بود، میل و اراده فرمان‌دار منطقه بود که تقریباً با استقلال کامل در این باره تصمیم‌گیری می‌کرد^۱ (ملکم، ۱۳۶۲: ۶۵۲). عمده‌ترین دلیل این استقلال، عدم امکان دسترسی سریع و نبود نظام نظارتی و افراد قابل اعتماد و مستقل در دربار اصلی و دربارهای کوچک محلی بود.

گذشته از آن هر منطقه به مرور شاخص‌های دریافت و پرداخت ویژه‌ای در زمینه میزان و چگونگی مالیات‌بندی پیدا کرده بود که به نوبه خود با دیگر ولایات تفاوت داشت. مثلاً در آذربایجان که زمین‌های مرغوب و حاصل‌خیز داشت، مالیات هم به زمین و هم به محصول تعلق می‌گرفت. حال آنکه در دیگر ولایات شامل گاوهای شخم زننده و گاه هر سه مورد می‌شد (لینن، ۱۳۶۳: ۱۹۹). از سوی دیگر از آن‌جاکه ساختار تخصیص مالیات برای سال‌ها و دهه‌ها بدون بازنگری و دست نخورده مانده بود، گنجایش‌های جدید مالیات‌دهی ناشناخته می‌ماندند درحالی‌که از مراتع و اراضی ویران هم‌چنان مالیات گرفته می‌شد. بر این مبنا عباس میرزا نایب‌السلطنه دستور به بازبینی کلیه املاک و اراضی و ممیزی جدید داد.

نه تنها به انجام رساندن نوسازی‌های ولیعهد نیازمند بودجه‌ای هنگفت بود، که هرچ‌ومرج مالیاتی موجود نیز لزوم بازنگری کلی در ساختار مالی آذربایجان را ایجاب می‌کرد. این ایالت موقعیت

۱. بنگرید به چگونگی ارکان و مناصب امور مالی و مالیات‌گیری در: ملکم، تاریخ ایران، ۲/ ۲۲۲.

می‌شد. اگرچه برنامه‌های مالیاتی ولیعهد که در جریان جنگ‌ها گاه تلاطم میافت، پس از او به کلی منسوخ و متروک ماند، ایجاد خدشه در آداب ویرانگر مالیات‌گیری به وسیله او، تأثیری عمیق در آگاهی و تمایل عمومی به گذار از آنها در سال‌های پیش رو گذاشت. اقدامات ولیعهد به مشاورت قائم مقام پدر و پسر در دارالسلطنه تبریز در انتقال نوگرایی به دوره‌های بعد به وسیله مصلحانی چون امیرکبیر نقشی به سزا داشت.

۳. فرجام نوسازی‌های مالی و عمرانی

۱-۳. چرایی و چگونگی مقاومت مخالفان

شاه بی آنکه درکی از کنه سیاست‌های نوسازی و لزوم آن داشته باشد، نگران قدرتمندی بیش از حد ولیعهد پس از انجام نوسازی‌ها بود. از سوی دیگر او حفظ و افزایش قدرت خود را در سایه حفظ وضع موجود میسرتر می‌دید. تنظیمات پرهزینه ولیعهد از نظر او امری زاید و بیهوده به نظر می‌رسید. علاوه بر خودداری شاه از پرداخت هزینه‌ها، ناتوانی فزاینده مالی عباس میرزا در تأمین بودجه نوسازی‌ها دلایل فراوانی داشت؛ از جمله تهی شدن خزانه شخصی او به دلیل پرداخت هزینه قشون، تأمین غرامت جنگ و بازسازی ویرانگری‌های پس از آن، سرکوبی پرهزینه شورشیان آذربایجان و دیگر مناطق، از دست رفتن آران و درآمدهای آن، نبرد با عثمانی و ... (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۵۴: ۱۱۶-۱۱۵).

مهم‌ترین پیامد درگیری‌های پایایی عبارت بودند از کاهش نقدینگی و عدم امنیت اقتصادی. هزینه سامان‌دهی ارتش در جنگ‌ها بسیار زیاد بود و تأمین هزینه‌های بازسازی ویرانی‌های پس از آن - در صورتی که اراده‌ای بر آن وجود داشت - بارها

جمله می‌توان به تداوم حکم کلانتری در خاندان فرج‌الله تبریزی (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۲۷۲) و حکم تأیید محمدرضا بر ادامه آن (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۲۷۴-۲۷۳) اشاره کرد.

برای حساب‌رسی دقیق درآمدها و هزینه‌ها، میرزا عیسا ساز و کار دقیق نظارتی در دیوان و حتا بر مخارج ولیعهد اعمال کرد. درآمدهای ناشی از این صرفه‌جویی‌ها معمولاً صرف امور اجتماعی و بهبود ساختار اداری و دیوانی می‌شد.^۱ نظام روشن مالیاتی به ویژه در بجهت جنگ یکم کارآمدی و ضرورت خود را نشان داد. هنگامی که مخارج جنگ بر اثر طولانی و فرساینده شدن آن و انجام اصلاحات نظامی افزایش یافت، نایب‌السلطنه، وزیر مالیه دربار دارالسلطنه، محمدحسین خان بیگلربیگی را به میدان جنگ فراخواند تا میزان و چگونگی دریافت مالیات‌ها را بررسی نماید (نادر میرزا، ۱۳۶۰: ۳۱). این بازنگری‌های پایایی فرصتی بود تا راه‌های جدید افزایش درآمد مالیاتی در عین حفظ تعادل و جلوگیری از اجحاف شناخته شود و شیوه‌های محاسبه و بازرسی نیز ادامه یابد. شورش‌های عباس میرزا در برقراری امنیت و آرامش بازرگانان و کشاورزان می‌کوشید. چراکه گذشته از آرمان‌های اخلاقی شاهزاده، پیش‌برد اهداف او بدون تأمین مداوم و منظم مالی ممکن نبود. جلوگیری از تعدی فرمانداران و مالکان به مردم نه تنها این مهم را ممکن می‌ساخت، بلکه در تنگناهای اقتصادی زمان جنگ - اگرچه مقطعی - باعث بسیج عمومی و کمک‌های مردمی و حتا تخصیص وجوه مذهبی

۱. بنگرید به برنامه‌های عمرانی در: مفتون دنبلی، مآثر سلطانیه و نیز: نادر میرزا، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز.

تا زمان اجرای سیاست‌های نوسازی ولیعهد ادامه یافته بود، چشم‌انداز امیدوارانه‌ای از پتانسیل مالی لازم و فضای اجتماعی مناسب برای تأمین هزینه نوسازی‌های ولیعهد در هنگامه جنگ با روس‌ها را نشان نمی‌داد.

بر اساس رسوم، تهیه "علیق" اسبان نظامی به عهده غیرنظامیان سر راه سپاه بود که محصول ایشان را می‌چریدند یا پای مال می‌کردند. ویرانی گاه تا بدان حد بود که مناطق عبور سپاه گاه از پرداخت مالیات معاف می‌شدند (نفیسی، ۱۳۶۸: ۴۰۱). بیزاری گسترده عمومی از این روال متوجه فرماندهان قشون و سلسله قاجار بود و بر همین اساس به هر برنامه‌ای که به وسیله هر یک از اعضای خاندان طرح و اجرا می‌شد تسری می‌یافت. با وجود این که شاهزاده عباس‌میرزا از کم‌شمار افراد خوش‌نام و محبوب قاجاری در میان مردم و قشون بود، دلایل دیگری برای بدبینی و اکراه عمومی نسبت به سیاست‌های نوسازی او وجود داشت. در جریان نقل و انتقال قشون، جابه‌جایی فرمان‌داران خرد و کلان، گذر شاه و همراهان پرشمارش، موسم مالیات‌گیری و تقریباً هر رویداد مرتبط با حکومت، زیرساخت‌های اقتصادی و تأمین معاش مردم منطقه معمولاً به کلی ویران یا دستخوش آسیب‌های اساسی می‌شد. این موضوع نه تنها به بدبینی و نفرت عمومی دامن می‌زد، که تأمین هزینه اصلاحات را نیز با دشواری روبه‌رو می‌کرد.

نه فقط آسیب‌های برآمده از جنگ، که بی‌رسمی‌های اهل حکومت بر زمین‌داران نیز از دلایل ویرانی اقتصادی در منطقه بود. این روال که ریشه در پایان دوره صفویه داشت، از همان آغاز کار

بیش‌تر می‌شد. از آن‌جا که جمعیت مناطق درگیر جنگ یا به صورت سرباز به کار گرفته می‌شدند یا از مناطق مورد مناقشه می‌گریختند، عملاً کسب و کار طی جنگ‌ها به حالت تعلیق درمی‌آمد و جریان اقتصاد محلی مختل یا متوقف می‌شد. ناامنی برآمده از اغتشاشات حاکم بر فضای جنگی مانع از تردد کاروان‌ها بود و در فضایی که همراه داشتن مال‌التجاره یا نقدینگی تهدید جانی به همراه داشت، عملاً امکان ایجاد یا تداوم فعالیت‌های تجاری وجود نداشت. سرمایه‌های کالایی یا پولی به مناطق امن می‌گریختند و تنها نوعی از سرمایه‌گذاری بر جا می‌ماند که حفظ و نگهداری آن در شرایط خطیر جنگی ممکن بود: زمین‌داری. این روند به ویژه در سده نوزدهم کاملاً تثبیت شد (فوران، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

از نگاه دیگر ویرانی درازمدت مناطق جنگ‌زده در آذربایجان، امکان رشد اقتصاد محلی که عمدتاً مبتنی بر کشاورزی بود را مختل می‌کرد. مزارع و محصولات در گیر و دار جنگ لگدکوب ستوران یا دست‌خوش چپاول سربازان می‌شد و از آن‌جاکه تنها راه تأمین معیشت و یگانه جریان زنده اقتصادی مناطق مذکور در همین راه بود، اختلال درازمدت در آن نتایجی چون ویرانی زیرساخت‌های اقتصادی، قهقرای شیوه‌های اقتصادی و بازگشت به روش‌هایی چون داد و ستد کالاهای هم‌عرض، کمبود شدید نقدینگی، تورم، کمبود کالاهای اساسی و به ویژه خوراک، قحطی‌های مصنوعی و اپیدمی‌های درازمدت به بار می‌آورد (فوران، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۸۵).

۱. ناامنی، غارت و مصادره اموال که پس از هر جابه‌جایی قدرت رخ می‌داد، افزون بر شرایط جنگی منطقه، مانع از رشد صنایع و بازرگانی می‌شد.

"صادر"، "تفاوت عمل"، و ... تنها با گریز از گذرگاه و دست‌رس ایشان مقدور می‌شد.^۲ بی‌رسمی حاکم بر ضوابط مالیاتی دوره قاجاریه به گفته لمبتون معجونی از "انحطاط، سوء تدبیر و ظلم و ناامنی" (Lambton, 1991: 284) بود که در تمایل به انزوای مردم از دست‌رس حکومتیان و شکل‌گیری واحه‌های جداسر اقتصادی تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشت.

این واقعیت که آبادی‌ها هرچه دورتر از راه‌های اصلی بودند، پروتوتتر و مرفه‌تر بودند^۳ (آبراهامیان، ۱۳۸۱: ۲۰) هم نماد خودکفایی آنها و هم برهانی بر چپاول‌گری بی‌حساب دولتیان بود. خودکفایی درون‌گرای آبادی‌ها از موانع مهم عدم شکل‌گیری اقتصاد تجاری و صنعتی در اشل کلان بود. جدایی واحه‌های اقتصادی عملاً مستقل از یک‌دیگر از شکل‌گیری شبکه تجاری و داد و ستدی کالایی جلوگیری می‌کرد و تجمع سرمایه، راه‌اندازی اقتصاد بازار و گذار صنایع خرده‌پای محلی به صنایع عظیم و یک‌پارچه را ناممکن می‌ساخت.

عدم دسترسی محلی و تمرکز سرمایه در زمین‌داری و محصولات آن، تداوم روند مذکور را از الزامات حیاتی حفظ منافع مالکان و تیول‌داران عمدتاً دولتی قرار می‌داد. متولیان امر برای حفظ و تداوم این روند از کنکاش و دسیسه و جبهه‌بندی‌های سیاسی بی‌حد و عد ابایی نداشتند.

قاجار تنها جریان اقتصادی نسبتاً پویای ایران یعنی زمین‌داری را در محاق انداخته بود.^۱

مراد اصلی حکومت‌گری کسب سود آبی و مالی بود و بر این پویه مشاغل و مناصب و حتا مالیات‌ها به مزایده گذاشته می‌شد و برندگان نیز به نوبه خود آن‌را وسیله کسب درآمد قرار می‌دادند. امور مالیاتی و گمرکی سنتی در دوره قاجاریه "مانند سایر چیزها" خرید و فروش می‌شد (شمیم، ۱۳۴۲: ۲۷۴). مقاطعه‌کارانی که در مزایده برنده می‌شدند به نوبه خود می‌کوشیدند تا هزینه‌هایی را که صرف کرده‌اند با دریافت انواع مالیات‌ها جبران کنند و علاوه بر آن، مقادیر قابل توجهی هم سود ببرند (حایری، ۱۳۸۷: ۱۴). از آنچه به این طرق گردآوری می‌شد، مبالغ ناچیزی به خزانه فرستاده می‌شد که در مواقع جنگ، هرج و مرج، انتقال قدرت و ... از پرداخت همین مقادیر نیز به بهانه‌های گوناگون و دستاویز دوری راه و نبود سیستم نظارتی دقیق و سالم خودداری می‌شد. درواقع والیان و مردم بومی هر یک به دلیلی از

گسترش راه‌ها و شاهراه‌ها ناخشنود بودند. والیان به بهانه خرابی راه از پرداخت مالیات و تمکین کامل طفره می‌رفتند. مردم محلی نیز هرچه خود را از دست‌رس مودیان مالیاتی و راه‌گذار ماموران حکومتی دورتر می‌دیدند، امنیت جانی و مالی بیشتری احساس می‌کردند. اگر روستاییان از دست‌اندازی تیول‌داران و پرداخت بهره مالکانه جان به در می‌بردند، رهیدن از مالیات‌های گوناگون و گاه و بی‌گاه مودیان مالیاتی از جمله بیگاری بی‌موجب،

۲. بنگرید به کیفیت و کمیت روابط مذکور در:

LAMBTON, ANN K.S. (1991). LANDLORD AND PEASANT IN PERSIA, A STUDY OF LAND TENURE AND LAND REVENUE ADMINISTRATION. Oxford University Press

۳. نقل قول از مالکوم، ۲۷۸. نیز: سایکس و اسناد وزارت خارجه

بریتانیا:

Great Britain, Foreign Office, Report on Bushire (1880), reprinted in The Economic History of Iran, 1800-1914 (edited by C. Issawi), pp. 227-31.

۱. برای آگاهی از وضعیت زمین‌داری در دوره صفوی، افشار و زند بنگرید به: فشاهی، از گاتها تا مشروطیت، گزارشی کوتاه از تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران، ۱۹۵-۱۶۸.

مردم منتقل می‌شد و در کنار عوامل فرهنگی و دینی، بی‌رغبتی ایشان را نسبت به سیاست‌های نوسازی نایب‌السلطنه بیش‌تر می‌کرد. سیاست‌های نوسازی ولیعهد از دید بسیاری تنها بار تازه‌ای بر اوضاع مالی نابسامان و ناپایدار ایران و مردم آسیب‌دیده و مال‌باخته آذربایجان بود. در رساله اصلاح سیاست، آن‌جاکه از افزایش ثروت و ایجاد و به کارگیری سرمایه و فعالیت اقتصادی گفتگو می‌کند، گرسنگی رعیت و بی‌داد حاکمان را در کنار سپاهیان گرسنه باعث آشوب درونی و تهدید خارجی می‌داند (آدمیت، ۱۳۸۵: ۶۶). چنان‌که پس از جنگ‌های ایران و روس موج جدیدی از شورش‌ها و سرکشی‌ها ایران را فراگرفت.

عباس‌میرزا که به دریافت کمک مالی از خزانه شاه امیدی نداشت، کوشید تا با اصلاحات مالیاتی و کشاورزی و بازرگانی سامانی به مالیه ایالت آذربایجان داده و هزینه‌های اصلاحات را نیز تأمین کند. با این وجود جنگ دوم و ویرانی‌های پس از آن نه فقط خزانه او را تهی ساخت، که به وابستگی او به متنفذان و خان‌های محلی و قدرت‌گیری ایشان منجر شد؛ چراکه شاهزاده ناگزیر از چشم‌داشتن به خزانه‌های کوچک ایشان بود و از آن‌جاکه بیش‌تر خانات به دگرگونی‌های برآمده از نوسازی‌های عباس‌میرزا دل خوش نداشتند، نیرومندی ایشان ارکان اجرایی و پیاده‌کردن برنامه‌های اصلاحی را با موانع بیشتری روبه‌رو می‌کرد.

۳-۲. عدم ایجاد زمینه‌های ذهنی و فرهنگی

مهم‌ترین آسیب در جریان‌های اصلاحی شخصیت‌گرا نه تنها در چگونگی مناسبات نخبگانِ موثر، که نیز برآمده از دخالت برداشت‌ها و اغراض شخصی است که در غیاب یک جریان اداری مستقل

برهم خوردن نظم موجود که پیامد محتوم سیاست‌های نوسازی ولیعهد بود و پرداخت هزینه‌های مربوط به آن نیز به عهده والیان و تیول‌داران گذاشته می‌شد، ایشان را بر آن می‌داشت تا هرچه بیش‌تر در امور نوسازی‌ها اختلال و کارشکنی کنند و شاه نیز از هر راهی که مسئولیت پرداخت هزینه نوسازی‌ها را از خزانه او منحرف کند، استقبال می‌کرد. یرملوف در گزارشی به دربار روسیه در فاصله جنگ یکم و دوم می‌نویسد که عباس‌میرزا بیشترین هزینه امور اصلاحی را از محل درآمدهای خود تأمین می‌کند (نفیسی، ۱۳۶۸: ۵۰۲).

این روند پس از اجبار ولیعهد به پرداخت غرامت جنگ دوم دشوارتر شد. ولیعهد در آستانه ورشکستگی بود. او برای پرداخت مبلغی به میزان دو کرور که برای خارج کردن خوی و ارومیه از "رهن" روس‌ها لازم بود و شاه آن‌را به او محول کرده بود، از اموال شخصی و حتا "... طلا و آلات در میان اولاد و عیال ایشان" استفاده کرد و از سپاه خود نیز "... خواهش فرمودند که به مقرری شش ماهه در آن سال قناعت نموده و شش ماه دیگر را در راه استخلاص مسلمانان خوی و آگدار دولت نمایند" (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴: ۱۲۲). عباس‌میرزا حتا برای گذران امور ایالت خود نیز به دشواری گرفتار بود تا چه رسد به هزینه سیاست‌های نوسازی.

هزینه‌های امور اصلاحی در آذربایجان از خزانه ولیعهد پرداخت می‌شد. با این همه از آن‌جاکه درآمد عمده والیان از دریافت مالیات بود، فشار مالی و مالیاتی برآمده از دست رفتن سرزمین‌های ثروت‌مند آن‌سوی ارس و هزینه جنگ‌ها و غرامت، خواه‌ناخواه بخش بزرگی از هزینه‌ها را به مردم منطقه تحمیل می‌کرد.

فشار مالیاتی از فرمان‌داران خرد به زیردستان و

که به شکل‌گیری فضای ذهنی و غنای مفهومی، آسیب‌شناسی و فرهنگ‌سازی درباره نوسازی‌ها در منطقه کمک می‌کند. اگرچه از دوره عباس میرزا شاهد اظهارنظرهای گوناگون درباره سیاست‌های اصلاحی و نوگرایی او هستیم، این روند هرگز به تحلیل اندیشمندان و نقد نظری تنظیمات منجر نشد. شبیه‌سازی‌های بیشتر مذهبی^۱ و گاه ملی^۲ تنها تلاشی در توجیه مقطعی نوسازی‌ها بودند که از چارچوب روشنی پیروی نمی‌کردند و حتی بیشتر مانع از ایجاد چالش‌های نظری پیرامون ماهیت نوسازی‌ها می‌شدند. سیاست‌های نوسازی عباس میرزا در غیاب توجیه ذهنی و حکمت نظری از مواهب ساز و کار بوروکراتیک مداوم و یکسان محروم ماند. مواهبی که می‌توانست از ناکامی سیاست‌های نوسازی عباس میرزا جلوگیری کند و با ارایه طرحی منسجم و روشن از دغدغه‌های سنتی عبور کند.

شناسایی و بررسی نیازها و اولویت‌ها بدون نظام اداری اندیشمند، مستقل و مدون ناممکن بود. گردآوری اطلاعاتی در این زمینه، می‌توانست موجب گزینش هدف‌مند شیوه‌های کارآمد در کوتاه‌ترین زمان شده و ضمن تمرکز بر اهداف روشن، از هدر رفتن امکانات محدود جلوگیری کند. ولی شرایط محدود زمانی از یک‌سو و عدم تدوین چارچوب مشخص

و روش‌مند، هرگونه فرایند رو به رشدی را اگر نه متوقف، که منحرف یا کند می‌سازد. مهم‌ترین پیامدهای آن عبارتند از برداشت‌های سطحی بر پایه عینیات و بنابراین عدم فرهنگ‌سازی و بسترسازی برای تداوم نوسازی، و نیز تعمیم ویژگی‌های شخصیتی و برداشت‌های شخصی به جای الگوسازی مدون، یکسان و هماهنگ.

نخستین گام در اجرای نوسازی‌های فراگیر برنامه‌ریزی برای تعیین راه‌بردهای اصلی، امکان‌سنجی و تشکیل ساختار نظام‌مند اجرایی، و سنجش و پایش بازخوردها و میزان توفیق طرح است. پشتیبانی مالی، نظامی و حقوقی از الزامات راه‌اندازی و پیش‌برد سیاست‌های نوسازی بوده، و برای هدایت و کنترل بهره‌وری کمی و کیفی، ایجاد بوروکراسی روشن و مستقل و نیرومند مورد نیاز است. بنابراین شفافیت و تداوم ساختار مالیاتی، پشتیبانی از طرح‌های اصلاحی بوسیله یک قدرت مرکزی نیرومند، همراه با وضع قوانین حمایتی، همراه با دستگاه اداری نظارت‌پذیری که با الزامات اجتماعی و سیاسی موجود هماهنگ باشد، شروط بایسته ایجاد هرگونه تغییر زیربنایی است (Criebe, 1997: 213).

عباس میرزا به عنوان نایب‌السلطنه بیش از هر چیز نگران تنظیم مناسباتش با شاه و رقبایش بود. دگرگونی در مناسبات و سنن پیشین که او را در معرض دشمنی خوانین و والیان محلی قرار می‌داد، به اندازه کافی چالش برانگیز بود؛ چه رسد به اتهام قدرت‌نمایی در برابر شاه و قوانین او. گذشته از آن خود ولیعهد نیز آگاهی و اشراف کافی بر آنچه می‌خواست و می‌کرد، نداشت. لزوم ایجاد ساختار یاد شده از آنجاست که موجبی برای پدید آمدن نظریه‌های گوناگون موافق یا مخالف دگرگونی است،

۱. می‌گفتند نوگرایی‌های عباس میرزا در اصل یادگار دوران "پیشدادیان و کیان" است که "لشکر اسلام" و سپس "اهل فرنگ" از آن آموختند و به کار بردند و اکنون زمان بازگشت خود ما به خود ماست. در: خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، ۲۷۲.

۲. کوشش‌هایی برای هم‌سان‌سازی شیوه جنگی اروپایی با آثار قدیم ابنیه پارسیان نیز صورت گرفت که تلاش می‌کرد بر این واقعیت تأکید کند که این شیوه در حقیقت از ایران "به دولت‌های دیگر نشر کرده" است. در: هدایت، روضه الصفا، ۷۵۸۵.

چنین شرایطی محرک‌های اجتماعی بیرونی تهدیدی برای جعل هویت و ماهیت جامعه معرفی می‌شوند و بنابراین نقد و بهره‌گیری از عقل سلیم^۳ مجرد از معذورات که در فرآیندی کلیت‌نگر و پلورالیستی^۴ اعمال گردد، نفی شده و مذموم می‌گردد.

هیچ‌یک از الزامات گذار از تعین صرف و بهره‌گیری از عقل ابزاری فراهم نبود و تلاشی برای ایجاد فضای فکری متناسب نیز صورت نمی‌پذیرفت. هم‌چنین ولیعهد از امتیاز بی‌رقیب بودن در عرصه اجرایی بی بهره بود، از خشم شاه و دسایس رقبا و نفوذ متشرعین نامدار ملاحظه می‌کرد، به تنگنای مال قابل توجهی در جریان جنگ‌ها و تأمین هزینه نوگرایی‌ها و از دست رفتن آران و پرداخت غرامت جنگ دوم دچار شد، از هم‌کاری و حضور طبقات میانی محروم بود و بالاتر از همه پیش‌بینی ایجاد هیچ سازمان و ساختار اداری مستقل که به شیوه‌ای مدون و نهادینه امور نوگرایی و سیاست‌نوسازی را پیش ببرد، را نکرده بود. خلاء در حوزه اندیشه‌پردازی و پدیدار نشدن مبانی فکری مستقل و مدون که موتور خودانگیخته تداوم سیاست‌های نوسازی باشد حاصل عدم شکل‌گیری ساختار اداری مذکور بود.

نوسازی‌های عمرانی و مالی عباس‌میرزا در آذربایجان به ویژه با دو مانع عمده روبه‌رو بود:

۱. ولیعهد و مشاورانش که به نوبه خود به کنه امور اصلاحی و الزامات و پیامدهای آن آگاه نبودند، نسبت به اقناع مخاطبان آن از صدر تا ذیل بی‌توجه

سیاست‌های نوسازی عباس‌میرزا از سوی دیگر مانع از تداوم جریان اصلاحات می‌شد. بن‌تان، از مستشاران فرانسوی عباس‌میرزا^۱، که از مسئولیت‌های پیاپی و ناتمام محوله شکایت داشت (بن‌تان، بی‌تا: ۹۶) مدعی بود که درباره اداره امور مشابه در فرانسه به عسگرخان افشار ارومی اطلاعاتی داده، "ولی مطمئن هستم که هرگز از این اطلاعات استفاده نخواهد کرد چون اهالی این مملکت بطور کلی پشت کار ندارند" (بن‌تان، بی‌تا: ۹۹).

در چنین شرایطی نه امکان بررسی و اولویت‌بندی نیازها و راه‌کارها وجود داشت، و نه سررشته و فرجام امور قابل شناسایی و پی‌گیری بود. عدم ایجاد زمینه‌های ذهنی و فرهنگ‌سازی متناسب با اهداف اصلاحات مانع از به ثمر رسیدن دستاوردهای حاصله احتمالی و نهادینه شدن و تداوم آنها می‌شد.

۴. نتیجه‌گیری

تابو شدن گذار از سنت‌های ناکارآمد و مخل به کارگیری عقل ابزاری^۲ جریان‌های اصلاحی را در تعین صرف متوقف می‌کند. در این روند بهره‌برداری از دستاوردهای عینی و ابزاری نوگرایی، تنها در چارچوب نیازها و خواست‌های مبتنی بر سنت، مجاز است؛ ولی ورود به عرصه حکمت‌نظری و دگرگونی در مفاهیم فرهنگی و دیگر شئون اساسی اجتماعی جایز نیست. حال آنکه امکان بهره‌مندی از ابزار عینی خود نیازمند شناخت ماهوی و بازتولید کیفی و کمی آن است و این مهم بدون ورود به عرصه نقد و اندیشه‌پردازی میسر نخواهد بود. در

۱. شرح سفارت‌گاردان و ورود هیات همراهش به ایران در: سپهر، نسخ‌التواریخ، ۱۴۶.

۲. Modernization

۳. Common Sense

۴. Pluralism، چندگانه‌گرایی، نگرشی که مدارا و بردباری و همزیستی مسالمت‌آمیز را با احترام به عقاید گوناگون توضیح می‌کند. مکتب چندگانه‌گرایی قایل به وجود ریشه‌ها و وجوه گوناگون در شکل‌گیری و تداوم امور و رد نگرش تک‌بعدی است.

اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰). *اکسیرالتواریخ (تاریخ قاجاریه از آغاز تا ۱۲۵۹ ق)*. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: ویسمن.

الگار، حامد (۱۳۶۹). *دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجار*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.

بشیریه، حسین (۱۳۷۹). *درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد (ویژه مجله نقد و نظر)*. بیجا: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

_____ (۱۳۸۷). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. چاپ ششم. تهران: گام نو.

بیلان اصل، لایلا (۱۳۹۳). «بررسی تحول ساختار فضایی شهر تبریز در دوره قاجار با استناد به نقشه‌های تاریخی». *مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*. دانشگاه تبریز. دوره ۵. شماره ۸. ص ۳۳-۵۳.

جمالزاده، محمدعلی (۱۳۶۲). *گنج شایگان*. تهران: کتاب تهران.

جهانگیر میرزا (۱۳۸۴). *تاریخ نوشامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری (ذیل تاریخ مآثر سلطانیه)*. به سعی و اهتمام عباس اقبال. تهران: نشر علم.

حایری، عبدالهادی (۱۳۸۷). *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۶۵). *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب*. تهران: امیرکبیر.

حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۲). *فارسانامه ناصر*. چاپ سوم. تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.

خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین ج ۱. تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر*. تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دروویل، گاسپار (۱۳۶۷). *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. تهران: شبانویز.

زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶). «عباس میرزا؛ نخستین معمار "بنای نظام جدید" در ایران معاصر». *مجله*

ماندند. در غیاب توجه فکری، فرهنگ‌سازی که از اصلی‌ترین دلایل قوام نوسازی و به‌سازیبست ادامه نیافت و به محض حذف عامل دگرگونی و نبود اجبار قانونی، اوضاع به شکل سابق برگشت.

۲. به ویژه در سیستم‌های تمرکزگرایز و متمایل به تقسیم قدرت حاکم بر سلسله‌های شبانکاره - و از جمله قاجار -، نبود قانون و روال یک‌سان، منجر به پدید آمدن شیوه‌های گوناگون در حکومت‌داری می‌شد که تأمین‌کننده منافع فرمانروایان محلی بود. جریان‌های اصلاحی از آن دست که نایب‌السلطنه می‌خواست، منافع یاد شده را یک‌سره در معرض خطر قرار می‌داد و بنابراین عجیب نبود که با کارشکنی و مقاومت روبه‌رو شود.^۱

ولیعهد نه قدرت کافی و نه امکانات لازم را برای مقابله با مخالفت‌ها و مقاومت‌ها نداشت و از آنجا که ایجاد ساختار اندیشه‌پرداز و فرهنگ‌ساز نیز مغفول ماند، برنامه‌های نوسازی به فرجامی که در نظر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه بود، نرسید.

منابع

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۱). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل‌محمدی، محمدابراهیم فتاحی و ؟؟ لیلایی. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.

آدمیت، فریدون (۱۳۸۵). *امیرکبیر و ایران*. چاپ نهم. تهران: خوارزمی.

_____ (۱۳۸۵). *اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار*. چاپ سوم. تهران: خوارزمی.

۱. شرح درازی از شورش‌ها و سرکشی‌های خوانین و والیان بومی به ویژه در هنگامه جنگ با روس‌ها در منابعی از جمله: ناسخ‌التواریخ، روضه‌الصفاء، تاریخ ذوالقرنین، فارسنامه ناصر، تاریخ نو و

- دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران. دوره ۵۸. شماره ۵. ص ۷۹-۱۱۱.
- ژوبر، پ.ام (۱۳۴۷). *مسافرت به ارمنستان و ایران*. ترجمه محمود مصاحب. تبریز: کتابفروشی چهر.
- سایکس، پرس (۱۳۷۰). *تاریخ ایران*. ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ*. جلد اول از آغاز تا پایان سلطنت فتحعلیشاه. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- سلماسی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). «تبریز، نخستین کانون ترقی‌خواهی و نوجویی در ایران عصر قاجار». *مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*. دانشگاه تبریز. دوره ۱. شماره ۱. ص ۶۹-۸۹.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۴۲). *ایران در دوره سلطنت قاجار، قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری*. تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق)*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۸۶). *از گات‌ها تا مشروطیت*. گزارشی کوتاه تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فتودالی ایران. چاپ سوم. تهران: گوتنبرگ.
- فوران، جان (۱۳۹۰). *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب*. چاپ یازدهم. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
- کوتزبوه، موریس (۱۳۴۸). *مسافرت به ایران*. برگردان محمود هدایت. تهران: امیرکبیر.
- گاردان، کنت‌آلفرد (۱۳۶۲). *مأموریت ژنرال گاردان در ایران*. ترجمه عباس اقبال. تهران: نگاه.
- لاچینی، ابوالقاسم (بی‌تا). *احوال و دست‌خط‌های عباس‌میرزا قاجار نایب‌السلطنه و تاریخچه مختصری از جنگ‌های ایران با دول روسیه و عثمانی*. چاپ دوم. تهران: بنگاه مطبوعاتی افشاری.
- لینتن، ویلهلم (۱۳۶۷). *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحماگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹)*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: معین.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴). *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱). *مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)*. به اهتمام غلامحسین صدیقی افشار. تهران: ابن‌سینا.
- ملکم، سر جان (۱۳۶۲). *تاریخ ایران*. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت. به کوشش مرتضی سیفی فمی تفرشی و ابراهیم زندپور. تهران: یساولی "فرهنگسرا".
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). *سفرنامه، سفر یکم، از راه ایران، ارمنستان و آسیای کوچک*. چاپ یکم. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- نادر میرزا (۱۳۶۰). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*. با مقدمه و شرح و تعلیقات و تنظیم فهرست‌ها محمد مشیری. چاپ سوم. تهران: اقبال.
- نقیسی، سعید (۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*. تهران: بنیاد.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*. جلد نهم، بخش اول: *زندیه، قاجاریه تا پایان جنگ جهانی اول ایران و روس*. تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- همبلی، گاوین. ایران در زمان فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار در آوری، پتر و همبلی، گاوین و ... (۱۳۸۸). از مجموعه تاریخ کمبریج، تاریخ ایران دوره افشار، زند و قاجار (چاپ دوم). برگردان مرتضی ثاقب فر. تهران: جامی.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰). *شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Cribe. Ian (1997). *Classical Social Theory, An Introduction to the Thought of Marx, Weber, Durkheim, and Simmel*. Oxford University Press.
Lambton, Ann K.S (1991). *Landlord and Peasant in Persia, A Study of Land Ternure and Land Revenue Administration*. Ox